

اصفهان برای بچه‌های زیر ۱۲ سال دادم و از میان هنرجویان خودم و از کل اصفهان حدود ۱۰۰ نفر شرکت کرده، تست دادند و ۱۵ نوازنده کودک انتخاب شدند که همان سازبندی‌هایی که در موسیقی این سکانس می‌شنوید توسط این بچه‌ها به اجرا گذاشته شد و ما این موسیقی اورجینال را با بچه‌ها کار کردیم. البته تم‌ها و سازهای این موسیقی نیز در طول فیلم استفاده و بین سکانس‌ها و کاراکترها پخش شده است. این موسیقی اورجینال یک هفته با این کودکان تمرین شد و سر لوکیشن آن را اجرا کردند.

حبیب تاجمیری بازنگر:

دنیای بچه‌ها یک دنیای واقعی، ساده و رها است

از نقش پردازی کاراکتر «قان قان» که دچار اختلالات ذهنی است بگویید.

این کاراکتر را آقای باقری بر اساس یک شخصیتی که دیده بودند برداشت و خلق کرده‌اند. با توجه به اینکه این کاراکتر به نوعی نمی‌توانست صحبت کند، بچه‌ها تنها کسانی هستند که با او خیلی رفیقند و تحویلش می‌گیرند به همین دلیل او هم بیشتر با بچه‌ها رابطه دوستی برقرار می‌کند تا بزرگسالان. زمانی که این کاراکتر را خواندم، خیلی خوشم آمد و سعی کردم که یک سری مشخصه‌ها به او بدهم و شخصیت پردازی کنم تا بتوانم او را به دنیای بچه‌ها نزدیک کنم.

یعنی در واقع شما بیشتر کودک درون کاراکتر را مورد پرداخت قرار دادید؟

بله البته کمی هم سخت بود، به خصوص کار کردن با بچه‌ها چون چندان تعریفی از سینما نداشتند و نمی‌دانستند که بازیگری چیست و این کار را برای من کمی سخت می‌کرد. در روزهای ابتدایی سعی کردم که با بچه‌ها ارتباط دوستی برقرار کنم و یک مقدار که گذشت تا جایی پیش رفت که شاید بچه‌ها آنقدر که دیگر بین هویت من و نقش فاصله‌ای در نظر نمی‌گرفتند، به من به عنوان یک آدم عاقل نگاه نمی‌کردند و فکر می‌کنم توانستم خودم را به عنوان کاراکتر «قان قان» به آنها بقبولانم.

نقش این دنیای کودکانه بر بازیگری چیست؟

دنیای بچه‌ها یک دنیای واقعی است و ما هر زمان بخواهیم به عنوان یک بازیگر خودمان را در یک کاراکتری قرار بدهیم اولین چیزی که می‌توانیم از آن الهام بگیریم دنیای کودکانه است. دنیای کودکان یک دنیای بی غل و غش و یک دنیای رها است. یعنی کودک هر کاری که می‌خواهد انجام می‌دهد بدون اینکه هیچ ابایی داشته باشد و بدون اینکه بخواهد مثل یک بزرگسال از چیزهای پرهیز کند یا جور دیگری وانمود کند و خود خود واقعیش است و به نظر من خیلی خوب است. اگر ما بتوانیم به عنوان یک بازیگر به این دنیا دست پیدا کنیم موفق خواهیم بود. بیشترین تلاشی هم که من کردم این بود که بتوانم خودم را وارد دنیای کودکان کنم تا جایی که با من جر و بحث و یا قهر می‌کردند، من هم سعی می‌کردم در همان عالم کودکانه گاهی با آنها قهر کنم و این مسئله برایم چالش و جذابیت زیادی داشت.

موقعیت جغرافیایی و لوکیشن مسلمان چالش برانگیز بوده، آیا گروه همدلی لازم برای تحمل این چالش‌ها را داشت؟

خوشبختانه عوامل کار بسیار خوب و همدل بودند و تهیه‌کننده کار آقای اوسینوند هم واقعا تهیه‌کننده خوبی بودند و اصلا کم نگذاشتند. خود آقای باقری کارگردان کار هم بسیار شریف هستند و با همه رفیق و صمیمی بودند و شاید همین همدلی بود که باعث می‌شد ما آن خستگی را احساس نکنیم. ما در طول روز پیاده‌روی‌های زیادی داشتیم، لوکیشنی که با توجه به خواست کارگردان انتخاب کرده بودند جای صعب العبوری بود و ما چند کیلومتر خاکی می‌رفتیم تا به لوکیشن مد نظر برسیم و خستگی خاص خودش را داشت. این گونه فیلم‌ها معمولا با هزینه‌های بالا ساخته نمی‌شوند، البته آقای اوسینوند تمام تلاش‌ها و توانشان را گذاشتند و این کار را ساختند و توانستند با تمام سختی‌هایی که بود این کار را به اکران بخش هنر و تجربه برسانند.

سخن پایانی

در میان فیلم‌هایی که در سینمای ایران اکران می‌شوند و با بودجه‌های سنگین و حضور سلبریتی‌ها ساخته شده‌اند این کار یک فیلم ساده، خودمانی، هنری و دلی است. به نظر من بیننده‌ای که این کار را می‌بیند بی‌شک ضرر نمی‌کند چرا که یک کار صادق و شیرین و کاری بالاحضات کم‌دی جذاب موقعیت می‌بیند. کاری که زور نمی‌زند که خودش را نشان دهد بلکه تمام سعی‌اش را کرده که خودش را به سادگی هر چه تمام‌تر نشان دهد و فکر می‌کنم نه تنها این کار، بلکه تمام عزیزی که کارهایشان در بخش هنر و تجربه اکران می‌شود نیاز به حمایت بیشتر از سمت مخاطبان دارند چرا که انسان‌هایی هستند که با عشق و دل و جان کار می‌کنند.



ترومپت را در نظر گرفتم که هم حالت آپیک و رزمی دارد و هم حالت نظامی. آقای باقری خیلی خوب موسیقی را می‌شناسند و دف نیز می‌نوازند و من نیز خیلی با ایشان راحت هستم. فیلم‌هایی که ایشان می‌سازند اغلب کم دیالوگ و شاعرانه هستند و تصویر، رنگ و موسیقی در این فیلم‌ها بسیار پراهمیت و بیانگر است. برای صحنه‌ای که معلم یک کره جغرافیای فلزی به بمانی می‌دهد و به او می‌گوید که آرزوهایت را جهانی ببین، گفتند که دوست دارم موسیقی این قسمت جهانی باشد به همین علت من هم از ساز سیتار از هند، سازهای کوبه‌ای آفریقایی، ساز ماندولین اروپایی و ساز پن فلوت آمریکایی استفاده کردم. در واقع موسیقی آن سکانس ترکیبی از سازهای و موسیقی چند قاره مختلف بود چرا که آرزوی بمانی یک آرزوی جهانی است. برای مادر بمانی که یک زن بیوه رنج کشیده است ساز ویولن را در نظر گرفتم که نوازندگی‌اش بر عهده خودم بود و ساز کارکتر مقابل ایشان که آقای اوسینوند هست از ساز سنتور و علاوه بر سازهای آکوستیک از یک سری صداهای الکترونیکی و افکتیو برای فضا سازی و نمادی از آن فضای اقلیمی که فیلم در آن ساخته شده بهره گرفتم. همینطور برای بیان یک سری عناصر داستانی، حالات و احساسات در فیلم مثل حس ترس در زمانی که مسئله کرونا آشکار می‌شود با استفاده از موسیقی‌های افکتیو، تماتیک و مینیمالیستی تلاش کردم تا موسیقی کار در خدمت عناصر درام، فضا سازی و شخصیت پردازی باشد.

سخن پایانی

در یکی از صحنه‌های فیلم ما شاهد ارکستری متشکل از کودکان هستیم و من خیلی دوست دارم که اینجا تشکری از این کودکان داشته باشم چرا که خیلی زحمت کشیدند. آقای باقری ابتدا قصدشان این بود که چند ساز بیاوریم و زمانی که بمانی به عالم رویا فرو می‌رود فکر کند که به آرزویش رسیده و موزیسین شده است و از من خواستند برای این صحنه نیز یک موسیقی اورجینال بسازم. من فراخوانی در

و همان زمانی که آقای علی اوسینوند به عنوان تهیه‌کننده و بازیگر از تهران تشریف آوردند همکاری من نیز با تیم آغاز شد و خدا را شکر از فیدبک‌های که تا به این لحظه دریافت کردم به نظر می‌آید که نتیجه این همکاری رضایت بخش بوده است.

آهنگسازان در مورد فیلم‌هایی که به ژانر کودک متعلق هستند بیشتر به چه مولفه‌هایی می‌پردازند؟

موسیقی فیلم «۷۶۰۰» از لحاظ ارکستراسیون، ژانر، هارمونیزاسیون، تکنیکال و تماتیک تا حدودی پست مدرن محسوب می‌شود. ما در این فیلم بچه‌ها را داریم و همینطور مسائلی مثل کرونا و تکنولوژی‌ای مثل موبایل که همگی به دوران فعلی مربوط می‌شوند و از سویی خود بافت روستا، اهالی، زن سالخورده و حتی خود آقای اوسینوند که نماینده‌ای از دوره قبل هستند را داریم. به همین علت من ترکیبی از کهن الگو و مدرنیسم را در نظر گرفتم و ساز سنتور، دف، تنبک و تنبک زورخانه را برای کهن الگو انتخاب کردم اما در موسیقی فیلم از سازهای امروزی و مدرن مثل ویولن، گیتار، گیتار الکتریک، هارمونیکا، پیانو، ترومپت و یک سری سازها و افکت‌های دیگر که آن حالت کودکانه را برسانند نیز استفاده کردم و برای آرزوها و روح جمعی بچه‌ها هم از موتیف‌های آوایی استفاده کردم.

در موسیقی فیلم «۷۶۰۰» از تکنیک‌های لایت موتیف، افکتیو، مینیمالیسم و تم‌های شخصیت در ژانرهای کودک، کلاسیک، حماسی، ایرانی و الکترونیک استفاده شده است. مثلاً برای بمانی، همان شخصیت اصلی فیلم دو ساز تعریف کردم یکی به همان زمان کودکی و حالش اشاره دارد و دیگری به آرزویی که در سر دارد. برای زمان حال بمانی ساز هارمونیکا را انتخاب کردم که آن حس کودکانه، بازی‌گوشی و ژانر کودک را برساند اما درون بمانی یک کاراکتری است که آرزوی خلبان شدن دارد درست مانند همه کودکان دیگر که هر کدام آرزویی دارند من برای این آرزو و آن جنبه از کاراکتر بمانی ساز